

گفت‌وگوی تلفنی دکترولایتی با نوری مالکی دربارهٔ تحولات منطقه‌ای

حوادث ایران توطئه آمریکا علیه کل منطقه بود

مشاور مقام معظم رهبری با اشاره به حوادث اخیر در کشور و تبیین موضع رهبری در این مورد گفت دشمن با مقدمات گسترده، این توطئه را برای اهداف بزرگ‌تری به‌راه انداخت؛ اما ملت ایران آن را خنثی کرد. بااین حال، این کافی نیست و آمریکا باید پاسخ‌گوی اقدامات خود باشد. دکتر علی‌اکبر ولایتی، مشاور مقام معظم رهبری در امور بین‌الملل، در یک گفت‌وگوی تلفنی با نوری مالکی، از شخصیت‌های برجسته اطر تنسیقی (چهارچوب هماهنگی شیعیان)، درباره مهم‌ترین تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی از جمله روابط عراق و ایران تبادل نظر کردند.

دکتر ولایتی در این گفت‌وگو، پیروزی ملت بزرگ عراق در انتخابات پارلمانی اخیر و حضور پرشور آنان را تبریک گفت و افزود: «این پیروزی که تحت‌مدیریت و هدایت بزرگانی مانند جنابعالی محقق شد، موجب تقویت موضع عراق در منطقه و جهان گردیده است.» وی در ادامه با اشاره به تحولات اخیر در ایران، خطاب به مالکی گفت: «قطعاً از حوادث اخیر در ایران و موضع‌گیری‌های روشن مقام معظم رهبری در این زمینه مطلع هستید که ایشان شکست آمریکا به دست ملت ایران در این حادثه را در ادامه شکست‌های قبلی آن کشور و رژیم صهیونیستی بر جنگ ۱۲ روزه دانستند و تأکید کردند که دشمن با مقدمات گسترده، این توطئه را

برای اهداف بزرگ‌تری به راه انداخت؛ اما ملت ایران آن را خنثی کرد. بااین حال، این کافی نیست و آمریکا باید پاسخ‌گوی اقدامات خود باشد.» دکتر ولایتی با اشاره به بیانات رهبر انقلاب افزود: «مقام معظم رهبری فرمودند به توفیق الهی ملت ایران همان‌طور که کمر فتنه را شکست، کمر فتنه‌گر را هم باید بشکنند.» وی سپس تصریح کرد: «به لطف عنایت الهی، این توطئه خنثی شد؛ اما مبارزه با رژیم صهیونیستی و آمریکا با جدیت بیشتری ادامه خواهد یافت. این حادثه تنها علیه ایران نبود، بلکه توطئه‌ای علیه کل منطقه محسوب می‌شود و ان‌شاءالله ایران، عراق، حزب‌الله لبنان، فلسطین و انصارالله یمن در برابر تمامی مستکبران، به‌ویژه صهیونیست‌ها، ایستادگی خواهند کرد.» دکتر ولایتی همچنین از عزم دولت و ملت عراق برای اخراج نیروهای آمریکایی و ناتو از عراق و خاتمه‌دادن به اشغال عراق توسط این نیروها حمایت کرد و حفظ تمامیت ارضی، رفاه و پیشرفت مردم عراق را از اولویت‌های مهم منطقه‌ای جمهوری اسلامی برشمرد. نوری مالکی نیز در پاسخ، ضمن تشکر از دیدگاه‌های دکتر ولایتی برای ایشان، گفت: «ان‌شاءالله هیچ‌آشوب و توطئه‌ای نه در عراق و نه در ایران باقی نخواهد ماند، زیرا هرگونه حادثه‌ای در ایران، تأثیر مستقیمی بر عراق و کل منطقه خواهد داشت.»

ترامپ در ۲۴ ساعت گذشته هرکاری دلش خواست با اروپا و مکرون کرد

گرینلند پروژۀ تحقیر اروپا



علی لankarani
نخستین گروه سیاست

سیل استعمار به نزدیکی لانه اروپایی‌ها رسیده و چشم‌آبی‌ها تازه اذعان کرده‌اند جهان به‌سمت «بی‌قانونی» حرکت می‌کند. امانوئل مکرون، رئیس‌جمهور فرانسه در اجلاس داووس با اشاره به تهدیدهای ترامپ علیه «گرینلند» گفت به نظر می‌رسد تنها قانونی که اهمیت دارد، «قانون قوی‌ترین‌ها»ست. کایا کالاس، مسئول اتحادیه اروپا نیز که احتمالاً اخبار فلسطین و ونزوئلا و... را دنبال نمی‌کند، گفت هیچ‌کشوری حق ندارد خاک کشور دیگری را تصرف کند؛ «نه در اوکراین، نه در گرینلند و نه در هیچ‌جای دنیا.» نماینده دانمارکی پارلمان اروپا هم با شنیدن این لحن خطاب به ترامپ گفت: «بگذارید این را با کلماتی که ممکن است

بفهمید بگویم: آقای رئیس‌جمهور، گورتان را گم کنید!» با این حساب، هنوز پرونده تحقیر آمیز اوکراین برای اروپایی‌ها حل نشده که این قاره در بال غربی خود با بحران گرینلند روبه‌رو شده است. ترامپ اما بدون توجه به مقاومت اروپا، در حال طرح‌ریزی مالکیت بر گرینلند، جزیره‌ای میان آمریکای شمالی و اروپاست. او در راستای این پروژه بخشی از پیام‌های شخصی مکرون به خود را منتشر کرد:



«ما می‌توانیم کارهای بزرگی در مورد ایران انجام دهیم» این بخشی از پیام مکرون به ترامپ بود که روز گذشته منتشر کرد: «دوست من! ما کاملاً در مورد سوریه هم‌نظر هستیم، ما می‌توانیم



کارهای بزرگی در مورد ایران انجام دهیم؛ اما نمی‌فهم شما در مورد گرینلند چه می‌کنید!» مکرون پیش‌تر نیز در موضوع گرینلند حملات تندی علیه ترامپ کرده بود. او روز ۱۸ دی (۸ ژانویه) با کتایه به فشارهای دولت ترامپ علیه اروپا در موضوعات اوکراین و گرینلند گفت پیروی کورکورانه از «قانون زور» که به بردگی دواطلبانه می‌انجامد. ترامپ هم در موضعی تحقیرآمیز به همتای فرانسوی خود گفت: «هیچ‌کس او را نمی‌خواهد و او به‌زودی از سمش کنار می‌رود.» ترامپ همچنین فرانسه را تهدید کرده اگر آن‌ها احساس خصومت کنند، تعرفه ۲۰۰ درصدی بر مشروبات الکلی این کشور وضع خواهد کرد. او در نهایت با انتشار تصویری از دیدار خود با سران کشورهای اروپایی در کاخ سفید، خاطرات تحقیرآمیز اروپا از آمریکا در ماجرای اوکراین را یادآوری کرد.

آمریکا ۷۰ سال است که می‌خواهد گرینلند را بخرد

علاقه آمریکا به گرینلند موضوع تازه‌ای نیست. این رابطه یک‌طرفه، «۷۰ سال» عمر دارد و اولین تلاش رسمی واشنگتن برای خرید گرینلند به سال «۱۹۴۶» بازمی‌گردد؛ زمانی که دولت «هری ترومن» به دانمارک پیشنهاد خرید این جزیره را ارائه داد. توجیه اصلی هم آغاز رقابت راهبردی با اتحاد شوروی و نیاز به پایگاهی پیشرفته برای نظارت بر مسیرهای پرواز و موشک‌های احتمالی بود. دانمارک این پیشنهاد را رد کرد؛ اما اندکی بعد با استقرار پایگاه نظامی آمریکا در گرینلند موافقت شد. در ۱۹۵۱ توافق دفاعی دانمارک و آمریکا امضا شد و پایگاه «توله» (پیتوفیک امروزی) به یکی از کلیدی‌ترین مراکز هشدار زودهنگام موشکی ایالات متحده تبدیل شد. این پایگاه هنوز هم اولین نقطه تشخیص پرتاب موشک‌های بالستیک از روسیه به سمت آمریکای شمالی است. تهدید ترامپ به اعمال تعرفه علیه اروپا برای وادارکردن دانمارک به واگذاری گرینلند و حتی حمله نظامی، این بحران را از سطح لفظی فراتر برده است. برای نخستین بار، یک عضو ناتو آشکارا درباره تصاحب قلمروی عضو دیگر صحبت کرد. این اتفاق، زلزله‌ای در اعتماد درون ناتوی ایجاد کرده است.



شروع تحقیر

جزیره گرینلند تا یک‌دهه پیش فقط در بحث‌های اقلیمی یا مستندهای قطبی دیده می‌شد؛ اما امروز به نقطه تلاقی بحران آب، رقابت ابرقدرت‌ها، امنیت نظامی، تغییرات اقلیمی و استقلال طلبی تبدیل شده است. جرقه بحث‌های اخیر بر سر گرینلند را اولین بار دونالد ترامپ هم‌زمان با بازگشت خود به کاخ سفید در بهمن‌ماه سال گذشته (۱۴۰۳) اعلام کرد قصد تصاحب این جزیره را دارد. این موضوع بلافاصله با مقاومت کشورهای اروپایی از جمله دانمارک- که گرینلند را به نوعی تحت‌الحمايه خود می‌داند- روبه‌رو شد. بااین حال ترامپ از موضع خود پایین نیامد و بعد از حمله مستقیم آمریکا به ونزوئلا و ربایش نیکولاس مادورو، رئیس‌جمهور این کشور در ۱۳ دی، این انگیزه برای واشنگتن تقویت شد تا فشار خود برای مالکیت جزیره استراتژیک گرینلند را بیشتر کند. گرینلند از ۲۰۰۹ خودگردان است و امکان برگزاری همه‌پرسی استقلال دارد. بسیاری از گرینلندی‌ها خواهان جدایی از دانمارکند، اما تقریباً هیچ‌کدام خواهان پیوستن به آمریکا نیستند؛ بنابراین هرگونه توافق بین آمریکا و دانمارک الزاماً مقبولیتی میان گرینلندی‌ها نخواهد داشت. علی‌رغم اعتراضات پیوسته روزهایی اخیر در گرینلند علیه مواضع سلطه‌جویانه کاخ سفید، به نظر می‌رسد نظر آن‌ها چندان برای دولت ترامپ اهمیتی ندارد.

چرا گرینلند برای آمریکا مهم است؟

منابع عظیم آب شیرین، نفتی که البته با ممنوعیت برداشت مواجه است، فلزات کمیاب، مسیرهای جدید دریایی و موقعیت نظامی ویژه، همگی گرینلند را به گره ژئوپلیتیک فعلی تبدیل کرده‌اند.

۱ بزرگ‌ترین جزیره جهان

گرینلند از نظر جغرافیایی و ویژگی‌های خاص قابل‌توجهی دارد؛ بزرگ‌ترین جزیره جهان با مساحتی بیش از دومیلیون کیلومتر مربع؛ اما با جمعیتی کمتر از ۶۰ هزار نفر. تراکم جمعیت در این سرزمین کمتر از بسیاری از بیابان‌های جهان است. حدود ۸۱ درصد از سطح گرینلند زیر یخ دائمی قرار دارد و سکونت انسانی تقریباً فقط در نوارهای ساحلی ممکن است. شهرها کوچک، پراکنده و بدون شبکه جاده‌ای سراسری‌اند و رفت‌وآمد میان آن‌ها با قایق، هواپیما یا بالگرد انجام می‌شود. بیش از ۹۰ درصد ساکنان گرینلند از قوم «اینویت» (بومیان قطب شمال) هستند. این ترکیب جمعیتی خاص باعث‌شده گرینلند از نظر فرهنگی و هویتی جامعه‌ای منسجم؛ اما کوچک باشد؛ جامعه‌ای که احساس مالکیت تاریخی بر سرزمین خود دارد؛ اما از نظر اقتصادی و زیرساختی همچنان به دانمارک وابسته است.

از نگاه ژئوپلیتیک، همین وسعت عظیم در برابر جمعیت اندک، گرینلند را به سرزمینی با «ارزش بالا و هزینه انسانی پایین» تبدیل کرده، یعنی منطقه‌ای که کنترل آن سود راهبردی بزرگی دارد؛ اما برای قدرت‌های خارجی با چالش جمعیتی یا مقاومت گسترده مسلحانه روبه‌رو نیست. ایمن‌ویژگی، گرینلند را به یکی از جذاب‌ترین نقاط رقابت قدرت‌ها در قرن بیست‌ویکم تبدیل کرده است.

۲ ذخایر عظیم آب شیرین و البته «نفت»

تنها حدود ۳ درصد از کل آب جهان آب‌شیرین است و بخش بزرگی از همین مقدار در یخچال‌های قطبی قفل شده است. گرینلند به‌تنهایی حدود ۱۰ درصد از کل ذخایر آب شیرین زمین را در خود جای‌داده است؛ ذخایری که عمدتاً به شکل یخ‌های چندکیلومتری ضخامت انباشته شده‌اند. ناظران از این منابع با عنوان «سرمایه یخ‌ده» یاد می‌کنند؛ ثروتی عظیم که وجود دارد، اما دسترسی به آن پرهزینه است؛ با تشدید تغییرات اقلیمی، سالانه تا «۳۰۰ میلیارد تن» آب از صفحه یخی گرینلند ذوب می‌شود. همین روند، نگاه دولت‌ها و شرکت‌ها را به این منبع جلب کرده است. پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۳۰ تقاضای جهانی آب تا ۴۰ درصد از عرضه پیشی بگیرد و نیمی از جمعیت جهان حداقل یک‌ماه در سال با کمبود آب مواجه باشند. برخی استارت‌آپ‌ها تلاش کرده‌اند آب ذوب‌شده گرینلند را جمع‌آوری و صادر کنند. پروژه‌هایی مانند ساخت سد برای صادرات آب باطری‌سازی آب یخچالی به‌عنوان کالای لوکس آغاز شد؛ اما تقریباً همه طرح‌های صادرات انبوه شکست‌خوردند، زیرا حمل آب در مقیاس صنعتی بسیار پرهزینه و غیراقتصادی است. نتیجه اینکه گرینلند منبعی دارد که از نظر ژئوپلیتیک ارزشمند است، ولیفعلاً بیشتر نقش اهرم قدرت بالقوه دارد تا راه‌حل واقعی بحران آب جهان. بااین حال، همین تانسلیل، کافی بوده تا آب گرینلند وارد محاسبات امنیت ملی کشورها شود. در دنیایی که آب به‌تدریج جای‌نفت را به‌عنوان منبع بحران‌زایی گیرد، گرینلند یک خزانه استراتژیک خاموش است.

۳ ژئوپلیتیک؛ قفل کنترل شمال آتلانتیک

گرینلند میان آمریکای شمالی و اروپا قرار گرفته و بر گذرگاه حیاتی موسوم به GIUK Gap (گرینلند – ایسلند – بریتانیا) مسلط است.

این مسیر، دروازه اتصال اقیانوس اطلس به قطب شمال است؛ مسیری که هم برای تجارت دریایی و هم برای حرکت زیردریایی‌ها و ناوگان نظامی اهمیت حیاتی دارد. از دوران جنگ سرد، ایالات متحده اهمیت این نقطه را درک و پایگاه نظامی خود را در گرینلند مستقر کرد. امروز پایگاه پیتوفیک همچنان میزبان رادارهای هشدار زودهنگام موشکی و سامانه‌های نظارت فضای آمریکاست. این پایگاه، اولین نقطه تشخیص پرتاب موشک‌های بالستیک از روسیه به سمت آمریکای شمالی محسوب می‌شود. پایگاه فضایی پیتوفیک به‌عنوان تنها پایگاه فعال آمریکا در گرینلند، هنوز قلب سامانه هشدار موشکی ایالات متحده است. این پایگاه، نقطه‌ای است که نخستین سیگنال هر حمله موشکی از روسیه را تشخیص می‌دهد؛ بنابراین حتی بدون مالکیت گرینلند، آمریکا آن را بخشی از ساختار دفاعی حیاتی خود می‌داند. با ذوب یخ‌های قطب شمال، مسیرهای دریایی جدیدی در حال باز شدنند. این موضوع باعث‌شده گرینلند از یک پایگاه نظارتی صرف، به گره ترافیک آینده تجارت جهانی تبدیل شود. ارزیابی واشنگتن این است که هر قدرتی که بر گرینلند نفوذ بیشتری داشته باشد، در آینده بر بخشی از شاهراه‌های جدید دریایی جهان مسلط خواهد بود. به همین دلیل، آمریکا، اروپا، روسیه و چین، گرینلند را مهره‌ای کلیدی در صفحه شطرنج قطبی می‌دانند. مسئله فقط یک جزیره نیست؛ مسئله کنترل شمال قرن بیست‌ویکم است.

۴ رقابت با چین در فلزات

گرینلند ذخایر بالقوه عظیمی از فلزات کمیاب مانند لیتیم و عناصر نادر خاکی دارد؛ موادی که برای باتری‌ها، خودروهای برقی، توربین‌های بادی و تجهیزات نظامی ضروری‌اند. چین در حال حاضر

سلطه بزرگی بر بازار جهانی این مواد دارد و همین مسئله آمریکا را نگران کرده است. ترامپ صراحتاً اعلام کرده کنترل گرینلند برای امنیت ملی آمریکا ضروری است. اگرچه دولت گرینلند استخراج نفت و گاز را به‌دلیل ملاحظات زیست‌محیطی ممنوع کرده؛ اما جذابیت منابع زیرزمینی همچنان پابرجاست. در واقع، رقابت بر سر گرینلند نسخه قطبی همان رقابت آفریقا در قرن نوزدهم است.

۵ رقابت با قدرت سنتی قطب شمال

بیش از نیمی از خط ساحلی قطب شمال در اختیار روسیه است. مسکو سال‌هاست پایگاه‌های نظامی، فروگاه‌ها و بنادر قطبی خود را گسترش داده است. با جنگ اوکراین، اهمیت قطب شمال برای روسیه بیشتر هم شده؛ زیرا یکی از معهود مناطقی است که هنوز دسترسی غرب محدود است. رزمایش‌های مشترک چین و روسیه در آب‌های قطبی و افزایش ناوگان یخ‌شکن‌های نظامی، باعث شده ناتو حضور خود را در گرینلند تقویت کند. استقرار نیروهای اروپایی در گرینلند در هفته‌های اخیر پاسخی به این تحرکات بوده است. گرینلند اکنون به خط مقدم بازاراندگی غرب در برابر روسیه تبدیل شده است.

۶ مسیرهای جدید تجارت جهانی

با باز شدن گذرگاه‌های شمالی، کشتی‌ها می‌توانند مسیر آسیا به اروپا را کوتاه‌تر طی کنند. این تحول می‌تواند معادل انقلاب کانال سوئز در قرن نوزدهم باشد. گرینلند در مرکز این شبکه جدید قرار دارد. هر کشوری که نفوذ بیشتری در گرینلند داشته باشد، در آینده بر جریان تجارت جهانی اثرگذار خواهد بود.